



## شماره ثبت: ۳۱۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲.....	مرور گذشته
۲.....	وجه نهم
۳.....	نکته مهم
۳.....	جمع بندی
۴.....	دلایل متقدمین



## مرور گذشته

در تعارض طایفه اولی با طایفه سماعة بحث کردیم. به خاطر اینکه می‌گفتیم تعارض من وجه است، متأخرین فرموده بودند: کذب در امکان توره را جایز می‌دانستند. هشت وجه برای حل مسئله بیان شد که هر کدام مورد نفی و تردید قرار گرفت. تمام این چند وجه اشکال مشترک داشتند، این اشکال این بود که عموم و خصوص مطلق است. چون مثبتین هستند باید قدر مطلق بر مقید بشود. باز نتیجه قول مشهور بین متقدمین استفاده می‌شود. با این وجه، موضوع اضطراب می‌شود. یعنی اگر دفع ضرر، اضطراب نبود، جایز نیست. مفهوم سماعة مقید تمام روایات می‌شد.

همان‌طور که عرض شد، در حالتی که من وجه باشد، تساقط حاصل می‌شود، اگر چنین شد باید به عام برویم، عام نیز می‌گوید کذب در جایی که توره است، حرام است.

## وجه نهم

در این وجه همان‌طور که عرض کردیم، مهم نیست من وجه یا عموم خصوص مطلق باشد. به‌طور قطع، در مواردی مهم ایمانی اگر با اکراه مواجه بشود، همان‌طور که در آیه شریفه ۱۰۶ نحل آمده بود؛ می‌تواند تقيه کند و کفر بگوید. در اینجا فرد، به مهم‌ترین تقدسات، کفر می‌گوید. این مطلب صریحاً در قرآن اشاره شده است. در روایات نیز آمده است که کسی که در اکراه قرار می‌گیرد می‌تواند امامت و رسالت را کفر بگوید. نکته‌ای که باید به این امر بی‌افزاییم این است که در مواردی با این اهمیت، اگر توره راهی بود که می‌توانست اکراه را برطرف کند؛ باید در آیات و روایات اشاره می‌شد.

همه‌ی فقها اتفاق دارند که در مقام تقيه، چه در توحید و رسالت و امامت و سایر موارد، کلمات کفر را جاری کرد. صراحت آیه، اشاره به توره ندارد. اکنون باید بگوییم اگر در این موارد مهم که انسان می‌تواند توره کند، باید در سخنان ائمه اشاره می‌شد. یعنی اگر توره رافع این اضطراب و حرمت بود، باید ائمه و آیات اشاره می‌کردند. یا به عبارتی باید بگوییم که باید آیات و روایات باید توره را به مردم یاد می‌دادند.

همان‌طور که در بحث توره عرض کردیم، ادله‌ی نقلی غالباً محل خدشه قرار گرفتند. بنابراین با این مقدمات مذکور باید بگوییم، توره، علیرغم اینکه می‌تواند رافع اضطراب باشد، اما شارع روی آن حساب باز نکرده است.

با این وجه، کل بحث عوض می‌شود. یعنی توره، اضطراب را به هم نمی‌زند.



## شماره ثبت: ۳۱۲۱

اکراه و اضطراب تفاوتی ندارد. گرچه در اینجا مصداق اضطراب نداریم. در اینجا یک «ان قلت» مهمی وجود دارد. توره از موضوعات است، ارشاد در موضوعات لازم نیست. این قاعده‌ی ارشاد است که در فقه تربیتی دنبال می‌کنیم. ارشاد لازم است، اما ارشاد در موضوعات لازم نیست. مثلاً اگر کسی نمی‌داند لباس نجس، نماز را باطل می‌کند، باید او را ارشاد کنیم ولی کسی این حکم را می‌داند، ولی نمی‌داند لباسش نجس است، در نتیجه این ارشاد لازم نیست.

در این بحث نیز با توقع داریم که ائمه در بحث موضوعی ما را ارشاد کنند. در احکام باید ارشاد کنیم، در موضوع نباید ارشاد کنیم.

### نکته مهم

ارشاد جاهل در موضوعات، لازم نیست ولی در موضوعات مهمه لازم است. ادله‌ی این بحث را در فقه تربیتی خواهیم گفت. مثلاً کسی می‌داند که قتل نفس محترمه جایز نیست، ولی موضوع را نمی‌داند و فکر می‌کند کافر حریبی است و مستوجب قتل است. این امر را باید ارشاد کرد. حتی در خمر نیز بعضی‌ها همین احتیاط را دارند. یعنی کسی حکم را می‌داند ولی نمی‌داند این خمر است باید به او اخبار کنیم.

البته اگر تأمل کنیم می‌بینیم، توره که می‌تواند این قدر مشکل‌گشا در خروج از تقیه و کفر و امثال این‌ها باشد، باید جایی در احادیث، آیات و روایات اشاره می‌شد. بحثی که می‌تواند مفری باشد، اگر توره وجود داشت، در جایی اشاره می‌شد. عدم طرح توره، یا به خاطر این است که توره حرام است، یا به خاطر اینکه توره اضطراب ندارد. البته این مسئله نمی‌تواند اثبات حرمت توره را بکند، ولی اگر حرام باشد که اینجا کاملاً صادق است. اگر حرام نباشد نیز در اینجا می‌گوید توره رافع اضطراب نیست.

اگر توره حلال بود، باید ائمه اشاره می‌کردند تا انسان با یک راه حلال بتواند از اضطراب بیرون برود.

### جمع‌بندی

توره را حرام یا جایز می‌دانیم. اگر حرام بدانیم که اینجا صادق است اگر جایز بدانیم، تعبداً صادق است. در نتیجه توره رافع اضطراب نیست.

زمانی که در امور مهمه، قیاس استثنایی اعلام می‌کرد که کذب حتی در وجود توره، امکان‌پذیر است، به اولویت در امور غیر مهمه نیز چنین است.

البته باید توجه داشت که اکراه در مسائل مهم است مثل قتل، غارت اموال به صورت گسترده و ...



## شماره ثبت: ۳۱۲۱

این وجه نهم، تمام بحث را عوض کرد. چه عموم خصوص من وجه یا مطلق باشد، توریه رافع اضطرار نخواهد بود. در نتیجه، سخن متأخرین پذیرفته شد. یعنی در صورت توریه، می‌تواند کذب کند.

نکته دیگری که باید عرض کنم این است که در بین وجوه هشت مسلک قبلی، سخن آیت‌الله تبریزی (ره) کامل‌تر بود. مسلک نهم نیز قابل قبول بود.

### دلایل متقدمین

قدما بر این نظرند که اگر توریه بشود نمی‌تواند کذب کند. ایشان دلایلی دارند:

۱. مفهوم و منطوق روایت سماعة و روایات اولی عموم و خصوص مطلق است. وقتی مطلق بشود، روایت سماعة، مقید روایات اولاً می‌شود. موضوع اضطرار می‌شود در نتیجه درجایی که توریه می‌تواند بکند، اضطرار وجود ندارد.

۲. دلیل دوم این بود که تعارض می‌کنیم. تعارض باعث تساقط می‌شود. در نتیجه به عام فوق رجوع می‌کنیم. عام فوق می‌گوید کذب حرام است.

۳. دلیل سوم برای کسانی است که انصراف را قائل شدند. یعنی درست است که تمام روایات اولی، موضوع را بر دفع ضرر قرار داده بودند، اما این دفع ضرر، انصراف به جایی دارد که اضطرار وجود دارد. یعنی ظاهر دفع ضرر، اضطرار است. حتی اگر روایت سماعة را قبول نکنیم، ادله‌ی دفع ضرر برای جایی است که اضطرار وجود دارد.

این دلیل نیازی به روایت سماعة ندارد. دفع ضرر جنس است. اضطرار یک قید خاص است. ولی عرفاً دفع ضرر به جایی است که اضطرار وجود دارد.

مسلک نهم که عرض کردیم، جواب این‌ها را می‌دهد.

فرض می‌گیریم که کل روایات دفع ضرر، اضطرار است. باز نیز شارع به توریه اشاره نکرده است. در نتیجه توریه، رافع اضطرار نیست.